

جلسه ۱۶-۷۲۹

شنبه - ۱۴۰۱/۰۷/۱۶

- ۱..... عدول عن عمد از جحد و توحید در روز جمعه
- ۲..... عمده روایات مجوز عدول، در مورد ناسی است
- ۲..... تصحیح سندی روایت علی بن جعفر که فرض عمد را هم می‌گیرد
- ۲..... کلام آقای سیستانی در مقام
- ۵..... تعارض صحیحه علی بن جعفر با صحیحه حلبی
- ۷..... مسأله ۱۷: عدول از سوره جمعه و منافقین
- ۷..... تنها دلیل حرمت عدول، روایت ضعیفه دعائم الاسلام و یک وجه استحسانی است
- ۸..... مسأله ۱۸: عدول در نوافل
- ۸..... مقتضای اطلاقات، حرمت عدول در نوافل است
- ۸..... استدلال محقق خوئی بر عدم حرمت عدول در نوافل
- ۹..... اشکال

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين سيما بقيّة الله في الأرضين و اللعن على أعدائهم أجمعين.

عدول عن عمد از جحد و توحید در روز جمعه

آخرین بحثی که از مسأله ۱۶ باقی مانده این است که آیا جواز عدول از سوره جحد و توحید در روز جمعه در نماز جمعه یا نماز ظهر روز جمعه به سوره جمعه و منافقین، مختص به کسی است که بناء داشت سوره جمعه بخواند مثلاً اما فراموش کرد سوره توحید را شروع کرد؟ یا نه، عمداً هم اگر کسی سوره توحید را شروع کند و بعد پشیمان بشود بگوید حیف است اینقدر ما عجله بکنیم روز جمعه نماز ظهر می‌خوانیم با یک سوره توحید تمامش کنیم بعد که گفت قل هو الله احد پشیمان شد و تصمیم گرفت سوره جمعه بخواند او هم می‌تواند عدول کند به سوره جمعه با این که عن عمد شروع کرد سوره توحید را نه عن نسیان.

محقق کرکی فرموده: نه، نمی‌تواند در فرض اختیار سوره جحد یا توحید عن علم و عمد، نمی‌تواند عدول کند به سوره جمعه و منافقین در روز جمعه، فقط این حکم مختص است به ناسی. صاحب عروه هم احتیاط واجب می‌کند که فقط ناسی حق دارد که عدول کند از سوره جحد و توحید به سوره جمعه و منافقین. ولی برخی مثل مرحوم آقای خوئی، آقای سیستانی، قائلند که نه، صورت عمد هم همین حکم را دارد.

عمده روایات مجوز عدول، در مورد ناسی است

منشأ اشکال مثل محقق کرکی این است که می‌گویند: عمده روایات که مجوز عدول است در مورد ناسی است. ما در مورد عالم عامد عمدتا روایت نداریم، [بلکه داریم:] أراد ان یقرأ سورة الجمعة فقرأ قل هو الله احد، موثقه عبیده بن زرارہ: رجل صلى الجمعة فاراد ان یقرأ سورة الجمعة فقرأ قل هو الله احد قال یعود الى سورة الجمعة.

تصحیح سندی روایت علی بن جعفر که فرض عمد را هم می‌گیرد

تنها روایتی که صورت عمد را می‌گیرد روایت علی بن جعفر است که آن هم سندش ضعیف است: علی بن جعفر عن اخیه موسی بن جعفر علیهما السلام سألتہ عن القراءة فی الجمعة بم یقرأ قال سورة الجمعة و اذا جاءک المنافقون و ان اخذت فی غیرها و ان کان قل هو الله احد فاقطعها من اولها و ارجع الیها. ان اخذت فی غیرها و ان کان قل هو الله احد، ندارد ان اخذت فی غیرها نسیانا. این روایت علی بن جعفر مطلق است؛ شامل فرض علم و عمد هم می‌شود. و لکن گفته می‌شود این سندش ضعیف است چون صاحب وسائل این را نقل می‌کند از کتاب قرب الاسناد از عبدالله بن الحسن از علی بن جعفر، عبدالله بن الحسن توثیق ندارد. پس دلیل‌های معتبری که در بحث عدول از سوره جحد و توحید داریم به سوره جمعه و منافقین در روز جمعه، این‌ها فرض‌شان این است که اراد ان یقرأ سورة الجمعة فقرأ قل هو الله احد. و آن روایتی که مطلق هست روایت علی بن جعفر است که او سندش ضعیف است. مرحوم آقای خوئی فرموده‌اند: ما سند این روایت علی بن جعفر را درست می‌کنیم. صاحب حدائق این روایت را از کتاب علی بن جعفر نقل کرده و صاحب حدائق سند معتبر دارد به کتاب علی بن جعفر. ما عرض کردیم: این روایت را و لو در وسائل این ذیل را از کتاب علی بن جعفر نقل نکرده ولی صاحب بحار هم این روایت را با این ذیل از کتاب علی بن جعفر نقل می‌کند و لذا مطمئنا این ذیل که خواندیم در کتاب علی بن جعفر هست. سألتہ عن القراءة أو الجمعة بم یقرأ قال سورة الجمعة و اذا جاءک المنافقین و ان اخذت فی غیرها و ان کان قل هو الله احد فاقطعها من اولها و ارجع الیها. و لذا بعید نیست وثوق پیدا کنیم که این متن در کتاب علی بن جعفر بوده. و لذا فرمایش آقای خوئی را قبول داریم.

کلام آقای سیستانی در مقام

آقای سیستانی فرمودند: من وثوق پیدا نمی‌کنم به سند این روایت چون این کتاب درست است که دست صاحب حدائق بوده، دست صاحب بحار بوده، درست صاحب وسائل هم بوده، اما این کتاب، کتاب مشهور نیست. و این بزرگان سند حسی به کتاب‌هایی که از او نقل می‌کنند نداشتند، سند کلی داشتند به جمیع کتب اصحاب که شیخ در فهرست ذکر کرده بعد می‌رفتند از بازار تهیه می‌کردند

کتاب‌ها را، کتاب علی بن جعفر هم درست است تهیه شده توسط صاحب وسائل و صاحب بحار و صاحب حدائق، ولی نسخه غیر معروفه‌ای بوده، نسخه غیر مشهوره‌ای بوده، من وثوق پیدا نمی‌کنم به صحت این نسخه‌ها.

ایشان فرموده: و لکن مهم این است که دلیل بر منع از عدول از سوره جحد و توحید در روز جمعه به سوره جمعه و منافقین چیست؟ عمده دلیل‌هایش هم در مورد ناسی است. مثلاً شما روایات را که بررسی می‌کنید می‌بینید دلیل بر منع این است که کسی که می‌خواهد سوره‌ای را بخواند شروع می‌کند در سوره دیگری، حق عدول به آن سوره‌ای که می‌خواسته بخواند دارد مگر سوره توحید و جحد باشد. الرجل يقوم في الصلاة فيقرأ سورة فيقرأ قل هو الله احد و قل يا ايها الكافرون فقال يرجع من كل سورة الا من قل هو الله احد و قل يا ايها الكافرون، مورد این روایت صحیحه کسی است که نسیاناً سوره توحید و سوره جحد را می‌خواند با این که می‌خواست سوره دیگری را بخواند فراموش کرد سوره جحد یا توحید را خواند. و ما به اولویت و به فحوی گفتیم کسی که می‌خواست سوره‌ای را بخواند فراموش کرد سوره توحید را شروع کرد بخواند حق عدول از سوره توحید ندارد، تا چه برسد به کسی که عمداً سوره توحید را شروع بکند، او که به طریق اولی حق عدول از سوره توحید ندارد. پس استفاده حکم عمد از این صحیحه عمرو بن ابی نصر به دلالت التزامیه و فحوی بوده و الا مدلول مطابقی‌اش فرض نسیان است. صحیحه محمد بن مسلم و امثال آن، در روز جمعه می‌گویند رجل صلى الجمعة فاراد ان يقرأ سورة الجمعة فقرأ قل هو الله احد قال يعود الى سورة الجمعة، مدلول مطابقی صحیحه عمرو بن ابی نصر را تخصیص زدند، مدلول مطابقی‌اش این بود که کسی که از روی فراموشی با این که می‌خواست سوره دیگری را بخواند، سوره جحد یا توحید را خواند حق عدول از سوره جحد و توحید ندارد به آن سوره‌ای که می‌خواسته بخواند، این مدلول مطابقی را صحیحه محمد بن مسلم و امثال آن قید زدند گفتند اگر کسی می‌خواست سوره جمعه بخواند در روز جمعه ولی اشتباهاً سوره توحید خواند حق عدول به سوره جمعه دارد. و ما نسبت به مدلول التزامی آن صحیحه عمرو بن ابی نصر دیگر نمی‌توانیم تمسک کنیم بعد از این که مدلول مطابقی‌اش از کار افتاد در روز جمعه. مدلول مطابقی صحیحه عمرو بن ابی نصر این بود که ناسی که می‌خواست سوره‌ای را بخواند فراموش کرد سوره توحید را خواند، حق عدول از سوره توحید ندارد تخصیص خورد در روز جمعه، کسی که می‌خواست سوره جمعه بخواند سوره توحید را شروع کرد اشتباهاً حق عدول به سوره جمعه دارد، دیگر ما نمی‌توانیم بعد از تخصیص مدلول مطابقی صحیحه عمرو بن ابی نصر در مورد نماز جمعه یا نماز ظهر روز جمعه به فحوای صحیحه عمرو بن ابی نصر و مدلول التزامی او تمسک کنیم که می‌گفت در فرض نسیان که جایز نیست فرض عمد به طریق اولی، در فرض نسیان در روز جمعه جایز شد عدول از سوره قل هو الله احد به سوره جمعه و منافقین، مدلول مطابقی از کار افتاد، دیگر مدلول التزامی قابل استدلال نیست.

و لذا آقای سیستانی فرمودند: و لو من روایت علی بن جعفر را قبول ندارم به عنوان یک دلیل بر این که در فرض عمد هم می شود عدول کرد از سوره قل هوالله در روز جمعه به سوره جمعه اما مشکل من حل است، چون من دلیل بر تحریم عدول از سوره جحد و توحید به سایر سور را هم می گویم منحصر است به فرض نسیان، اصلاً فرض عمد را با دلالت التزامیه ما فهمیدیم و بعد از تخصیص دلالت مطابقیه در مورد نسیان در روز جمعه، دیگر ما به دلالت التزامیه آن روایت هم نمی توانیم تمسک کنیم رجوع می کنیم به مقتضای قاعده اولیه که اقتضاء می کند جواز عدول را و لذا جایز است عدول از سوره قل هوالله احد در روز جمعه به سوره جمعه و منافقین و لو عمدا سوره قل هوالله احد یا سوره قل یا ایها الکافرون را شروع کرده باشیم.

آقای سیستانی فرمودند این نظر من مبتنی است بر آن چه که قبلاً گفتم که یک روایتی است به نام روایت حلبی، آن روایت حلبی را و لو متنش شامل عمد هم می شود به دلالت مطابقیه اما من سند قبول ندارم. آن روایت حلبی این است: احمد بن محمد بن عیسی عن ابن مسکان عن الحلبي قلت لابی عبدالله عليه السلام رجل قرأ فی الغداة سورة قل هوالله احد قال لأبأس و من افتتح سورة ثم بدا له ان يرجع فی سورة غیرها فلا بأس الا قل هوالله احد و لایرجع منها الی غیرها و كذلك قل یا ایها الکافرون. آقای سیستانی فرمودند این روایت اگر سندش درست بشود، اختصاص به ناسی ندارد، به دلالت مطابقیه می گوید عدول از سوره قل هوالله احد و قل یا ایها الکافرون به سایر سور جایز نیست، چه این دو سوره را سهوا اختیار کردی چه عمدا اختیار کردی. اطلاق دارد.

[سؤال: ... جواب:] و من افتتح سورة ثم بدا له ان يرجع فی سورة غیرها فلا بأس الا قل هوالله احد و لایرجع منها الی غیرها، این قدر متیقنش صورت عمد است. ولی ناسی را هم می گیرد. حالا شما بفرمایید صورت عمد را بگیرد کافی است، صورت سهو را حالا ما بگوییم می گیرد یا نمی گیرد، این مهم نیست، مهم این است که ما یک دلالت مطابقیه پیدا کردیم، اگر سند این روایت درست باشد بر این که عدول از سوره توحید و جحد به سایر سور حرام است اگر شما عمدا هم اختیار کردی سوره جحد و توحید را این به دلالت مطابقیه می گوید عدول از این دو سوره حرام است، اطلاق هم دارد چه در روز جمعه چه در غیر روز جمعه.

و لذا اگر کسی مثل آقای خوئی این روایت را قبول کند، تنها راه حل مشکلش این است که روایت علی بن جعفر سندش را درست کند تا روایت علی بن جعفر بشود مخصص این. و ان اخذت فی غیرها و ان کان قل هوالله احد فاقطعها من اولها و ارجع الیها. اما من آقای سیستانی با این که روایت علی بن جعفر را قبول ندارم اما مشکلی برایم پیش نمی آید چون گفتم این روایت حلبی هم مشکل سندی دارد، احمد بن محمد بن عیسی نمی تواند بلافاصله از ابن مسکان نقل کند، چون ابن مسکان در طبقه رابعه بوده، احمد بن محمد بن عیسی در طبقه ثالثه است و نمی تواند از او نقل کند. طبقه شان به هم نمی خورد.

قرائت ۵

اشکال دیگری هم که ایشان داشت گفت: این و من افتتاح سورة که ذیلش آمده، با توجه به این که در یک روایت دیگر حلبی هم مشابهش هست و لذا من احتمال می‌دهم اصحاب کتب حدیث آن روایت حلبی را آوردند ذیل این روایت گذاشتند، و این روایت مستقله‌ای نیست و آن روایت دیگر حلبی در فرض نسیان است. آن روایت دیگر حلبی که سندش صحیح است، آن در فرض نسیان است که اراده داشت سوره‌ای را بخواند، ان افتتاح صلاتک بقل هو الله احد و انت ترید ان تقرأ بغیرها فامض فیها و لاترجع، موردش کسی بود که اراده داشت سوره دیگری بخواند.

[سؤال: ... جواب:] اذا افتتاح صلاتک بقل هو الله احد در حالی که اراده داشتی سوره دیگری بخواند سوره قل هو الله خواندی یعنی فراموش کردی سوره قل هو الله خواندی، فامض فیها و لاترجع الا ان تکون فی يوم الجمعة.

و لذا آقای سیستانی می‌فرمایند شاید اصحاب کتب حدیث این روایت حلبی را که سندش خوب است آوردند در ادامه آن روایت قبلی حلبی گذاشتند نه این که دو تا روایت باشد از امام علیه السلام. و لذا ما یک متن معتبری پیدا نکردیم تحریم کند عدول از سوره توحید و جحد را مطلقاً که اطلاقش شامل فرض عمد بشود، یا دلیلی در خصوص عمد داشته باشیم، بناء بر این که روایت اول حلبی انصراف دارد به فرض عمد. ما قبول نداریم سند این روایت را و لذا مشکل از اساس حل است. ما نیازی به این بحث، دیگر نداریم، چون روایت علی بن جعفر را ما سنداً گفتیم بعید نیست وثوق پیدا کنیم که در کتاب علی بن جعفر بوده.

تعارض صحیحہ علی بن جعفر با صحیحہ حلبی

ممکن است شما اشکال کنید به ما، بگویید: شما روایت علی بن جعفر را سنداً قبول می‌کنید، اگر روایت حلبی را هم سنداً قبول کنید، نسبت این‌ها را چرا حساب نمی‌کنید؟ آقای خوئی هم روایت حلبی را سنداً قبول کرده می‌گوید صحیحہ الحلبی، هم روایت علی بن جعفر را قبول کرده می‌گوید صحیحہ علی بن جعفر، نسبت این دو تا روایت را باید ببینیم چیست. روایت حلبی من افتتاح سورة ثم بدا له ان یرجع فی سورة غیرها، این مختص به فرض عمد است، این فرض نسیان را نمی‌گیرد، می‌گوید ثم بدا له ان یرجع فی سورة غیرها، این شامل آن فرضی نمی‌شود که اراد سورة فقرأ سورة قل هو الله احد، نخیر، من افتتاح سورة ثم بدا له ان یرجع فی سورة غیرها، این پس موردش مورد عمد است. ولی این که می‌گوید از سوره قل هو الله و قل یا ایها الکافرون نمی‌تواند به غیرش عدول کرد، از حیث این که شامل روز جمعه می‌شود می‌شود بالاطلاق. از یک حیث اخص است، موردش عمد است، از یک حیث اعم است موردش مختص به روز جمعه نیست.

صحیحہ علی بن جعفر در خصوص روز جمعه است، از این حیث اخص است، ولی از این حیث که آیا عامداً سوره قل هو الله را در روز جمعه شروع کردی یا ناسیاً، اعم است. و ان اخذت فی غیرها و ان کان قل هو الله احد فاقطعها من اولها و ارجع الیها. موردش منحصر به اختیار سوره توحید در روز جمعه

است ولی از این حیث که عامدا این کار را کرده یا ناسیا، اطلاق دارد. در مورد متعمد در روز جمعه با هم تعارض می‌کنند. روایت علی بن جعفر اطلاق دارد می‌گوید جایز است عدول، عمدا سوره توحید را شروع کردی از بی‌حالی، بعد که سوره توحید را شروع کردی ناگهان متنبه شدی گفتی حیف است روز جمعه سوره جمعه نخوانم اطلاق روایت علی بن جعفر می‌گوید جایز است عدول به سوره جمعه ولی اطلاق روایت حلبی که آقای خوئی می‌گوید صحیحۃ الحلبي می‌گوید کسی که متعمد است، من افتتاح سورة ثم بدا له ان يرجع فی سورة غیرها فلا بأس الا قل هو الله احد، متعمد از سوره قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون حق رجوع به سوره‌ای دیگر ندارد مطلقا و لو در روز جمعه.

بعد از تعارض به عموم من وجه، ما باید رجوع کنیم اول به عام فوقانی، ببینیم یک عام فوقانی داریم؟ اگر عام فوقانی داشته باشیم که دلالت کند بر حرمت عدول از سوره توحید و جحد مطلقا، به او رجوع می‌کنیم. ظاهرا ما این‌جا یک عام فوقانی نداریم، بعد از تعارض صحیحۃ حلبی بناء بر این‌که سندش تمام باشد که نظر آقای خوئی است و صحیحۃ علی بن جعفر به عموم من وجه، چون ما یک عام فوقانی نداریم که بطور مطلق بگوید در عدول از سوره جحد و توحید جایز نیست که شامل عدول از سوره توحید و جحد در روز جمعه در حال علم و عمد بشود، آن وقت رجوع می‌کنیم به اصل عملی. بله ما چون معتقدیم اصل عملی جواز عدول است مشکلی نداریم اما آن‌هایی که مثل آقای بروجردی و آقای داماد می‌گفتند مقتضای اصل عملی حرمت عدول است این‌ها دچار مشکل می‌شوند.

[سؤال: ... جواب:] فرض نسیان که بحث نداریم، عدول از سوره توحید و جحد به سوره جمعه و منافقین در روز جمعه جایز است. او که بحث ندارد. بحث در فرض عمد است که عالما عامدا اگر کسی سوره توحید یا جحد را در روز جمعه شروع کرد بعد می‌تواند پشیمان بشود در اثناء آن عدول کند به سوره جمعه و منافقین یا نه. ... قاعده اولیه می‌شود جواز عدول من الاطلاقات الاولیة أو الاصل العملی. ... فرض این است که صحیحۃ عمرو بن ابی‌نصر در مورد ناسی است و قطعا ناسی تجویز شده در روز جمعه عدول کند از سوره جحد و توحید به سوره جمعه و منافقین، وقتی مدلول مطابقی‌اش در روز جمعه از کار افتاد که دیگر به مدلول التزامی‌اش نمی‌شود تمسک کرد.

خلاصه عرض ما در این مسأله ۱۶ این شد: ما بر خلاف آن‌چه که آقای خوئی در این بحث ادعاء کرد که بعد از تعارض روایات بلافاصله می‌رویم سراغ اصل عملی که جواز عدول است، خواستیم عام فوقانی درست کنیم، در عمده این بحث عام فوقانی درست کردیم، عام فوقانی دال بر حرمت عدول بود، و لکن در خصوص این مورد اخیر، عدول از سوره جحد و توحید در نماز جمعه به سوره جمعه و منافقین، ما بعد از تعارض، دیگر عام فوقانی نداریم چون عام فوقانی ما نوعا صحیحۃ عمرو بن ابی‌نصر بود، آن را عام فوقانی قرار می‌دادیم، آن هم که این‌جا بدر نمی‌خورد، در مورد ناسی است و نمی‌شود حکم عامد را از او فهمید مگر به اولویت که این‌جا بعد از این‌که مورد روایت عمرو بن ابی‌نصر در مورد ناسی تخصیص خورده و در روز جمعه تجویز شده عدول از سوره جحد و توحید به سوره جمعه و

قرائت ۷

منافقین، در مورد عامد دیگر هیچ دلیل لفظی نداریم رجوع می کنیم به اصل برائت از حرمت عدول و یا اطلاعات اقرأ سورة كاملة که قبلاً بحث شده.
در این نکته اخیر ما تأمل بکنید، ما یک خلاصه‌ای گفتیم که این خلاصه حاکم است بر همه مطالبی که در این مسأله ۱۶ بیان شده.

مسأله ۱۷: عدول از سوره جمعه و منافقین

مسأله ۱۷: الاحوط عدم العدول من الجمعة و المنافقين الى غيرهما في يوم الجمعة و ان لم يبلغ النصف.

صاحب عروه می گوید احتیاط واجب این است که از سوره جمعه و منافقین در روز جمعه عدول نکنید به سوره‌های دیگر و لو هنوز به نصف سوره جمعه نرسیدید، و لو هنوز به نصف سوره منافقین نرسیدید.

تنها دلیل حرمت عدول، روایت ضعیفه دعائم الاسلام و یک وجه استحسانی است

این مطلب هیچ دلیلی ندارد الا روایت دعائم الاسلام که می گوید و كذلك سورة الجمعة او المنافقين في الجمعة لاتقطعهما الى غيرهما، عدول نکن از این دو سوره در روز جمعه به سوره‌های دیگر. کانه این دو سوره در روز جمعه مثل سوره جحد و توحید می شوند در سایر ایام. ولی این سند ندارد.

بله، یک وجه استحسانی هست، کسانی که تابع استحسان هستند، خوب است این جا به این وجه استحسانی تمسک کنند اتباع مسلک استحسان. بگویند: عدول از سوره جحد و توحید در سایر ایام حرام بود، بخاطر اهمیت سوره جمعه و منافقین در روز جمعه، شارع دست برداشت از حرمت عدول از سوره جحد و توحید، معلوم می شود سوره جمعه و منافقین در روز جمعه از سوره جحد و توحید مهم تر است که حرمت عدول از سوره جحد و توحید را در سایر ایام شارع فدا کرد، فدای اهمیت سوره جمعه و منافقین در روز جمعه کرد. کشف می کند سوره جمعه و منافقین در روز جمعه اهم است از سوره جحد و توحید در سایر ایام. حالا که ما حکم سوره جحد و توحید در سایر ایام را ثابت کردیم یحرم العدول منهما الى غيرهما و لو لم يبلغ النصف منهما، سوره جمعه و منافقین در روز جمعه وقتی از این ها اهم باشد، به طریق اولی عدول از این دو سوره به سایر سور حرام خواهد بود در روز جمعه.

شما می دانید این ها نکات استحسانیه است، ما چه می دانیم اهمیت سوره جمعه و منافقین را به لحاظ حکم حرمت عدول. ما این را فهمیدیم که شارع در روز جمعه اینقدر اهمیت نداده به سوره جحد و توحید که بخاطر سوره جحد و توحید بگوید حالا که شروع کردی در سوره جحد و توحید، حق نداری عدول کنی به سوره جمعه و منافقین، به سوره جحد و توحید در روز جمعه اینقدر اهمیت نداده اما از این کشف بکنیم پس سوره جمعه و منافقین مهم تر است از سوره جحد و توحید حتی به لحاظ سایر احکام که یکی حرمت عدول از سوره جحد و توحید است در روزهای دیگر پس در روز جمعه هم

۸ مسائل

عدول از سوره جمعه و منافقین هم حرام است؟ این‌ها غیر از استحسان چیز دیگری نیست. و لذا این احتیاط در حد احتیاط مستحب است.

[سؤال: ... جواب:] عدول از سوره جمعه و منافقین به سایر سور حرام باشد دلیل ندارد. ... بر فرض اصل را هم عدم عدول بدانید دلیل آمد گفت اذا قرأت سورة فلک ان تعدل عنها ما لم تقرأ ثلثیها.

مسئله ۱۸: عدول در نوافل

مسألة ۱۸: يجوز العدول من سورة الى اخرى في النوافل مطلقا و ان بلغ النصف. صاحب عروه و آقای خوئی فرمودند حرمت عدول از سوره جحد و توحید یا از سایر سور بعد بلوغ النصف یا بعد بلوغ الثلثین مختص به فرائض است، در نوافل اصلا حرفی از حرمت عدول من سورة الى اخرى نزنید.

مقتضای اطلاقات، حرمت عدول در نوافل است

و این مطلب خلاف مشهور است، مشهور گفتند: چرا حرفش را نزنیم؟ ادله حرمت عدول مختص به صلات فریضه نیست. صحیحه عمرو بن ابی نصر می‌گوید: يرجع من کل سورة الا من قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون یعنی لا يرجع من قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون مطلقا چه در نماز فریضه چه در نماز نافله.

یا موثقه عبید: اذا اردت ان تقرأ سورة فقرأت سورة اخرى لك ان ترجع عنها ما بینك و بین ان تقرأ ثلثیها. مفهومش این است که اذا بلغت ثلثی السورة فلیس لك ان تعدل عنها، مطلق است چه در نماز نافله چه در نماز فریضه.

نگویید: مفهوم غایت که اطلاق ندارد. می‌گوییم این ظاهر در تحدید است. ظاهر این روایت این است که می‌گوید هرگاه سوره‌ای را در نماز می‌خواستی بخوانی اشتباه کردی سوره دیگر را خواندی، حق عدول به آن سوره‌ای که می‌خواستی بخوانی داری در نماز تا قبل از این که به دو سوم این سوره برسی، این ظاهرش تحدید است یعنی تا رسیدی به دو سوم این سوره‌ای که شروع کردی و لو اشتباه است دیگر حق عدول نداری به آن سوره‌ای که قبلا تصمیم داشتی بخوانی، اطلاق دارد. ندارد فی صلاة الفریضة.

و لذا آقای سیستانی فرمودند و درست هم فرمودند که وجهی ندارد اختصاص داشته باشد حرمت عدول به صلات فریضه.

استدلال محقق خوئی بر عدم حرمت عدول در نوافل

آقای خوئی فرموده من وجهش را می‌گویم. وجهش این است که نکته حرمت عدول این است که شارع اجازه تبدیل الامتثال بالامتثال را نداده. شما موظفی سوره کامله بخوانی، در کجا؟ در نماز فریضه، و الا در نماز نافله می‌خواهی سوره نخوان، می‌خواهی ده تا سوره بخوان، در نماز فریضه است که شارع

قرائت ۹

گفته سوره کامله بخوان، بعد شما می‌خواهی تبدیل کنی این سوره‌ای را که شروع کردی به عنوان سوره کامله می‌خواهی بخوانی به یک سوره دیگر. بحث تبدیل امثال الامر بسورة کامله الی امثال سورة کامله اخری است. می‌خواستی امثال کنی امر به قرائت سوره کامله را در خواندن سوره مثلاً فجر، حالا پیشیمان شدی وسطش، می‌خواهی تبدیل کنی این امثال امر به سوره کامله را با خواندن سوره والعصر، در بحث تبدیل امثال امر به سوره کامله به خواندن سوره کامله دیگر قبل از این که آن سوره اول را تمام کنی، شارع آمده دخالت کرده گفته اگر سوره جحد و توحید را شروع کردی به عنوان امثال سوره کامله حق عدول نداری مگر در روز جمعه، اگر سوره‌ای غیر از جحد و توحید را شروع کردی، تا دو سومش نرسیدی حق عدول نداری، حق تبدیل امثال نداری، بعد از دو سوم دیگر حق تبدیل امثال نداری. محور بحث تبدیل امثال امر به سوره کامله در نماز است به خواندن سوره کامله دیگر. تبدیل امثال در نماز فریضه است، نماز نافله که شارع اصلاً نگفته اقراراً سورة کامله، در نماز نافله شارع گفته اصلاً می‌خواهی سوره بخوان، می‌خواهی ده تا سوره بخوان، بیست تا سوره بخوانی، اصلاً بحث سوره کامله در نماز نافله مطرح نیست.

[سؤال: ... جواب:] یعنی مکروه است در نماز نافله آدم دو تا سوره بخواند؟ نه. ... پس نه سوره کامله واجب است در نماز نافله، نه قرآن بین السور در نماز نافله حرام است یا مکروه است. روایت دارد نهی از قرآن بین السورتین فی الفریضة، این [مورد فقط] نهی دارد، حالا نهی تحریمی یا نهی کراهتی. در نمازهای نافله که انسان مستحب است اصلاً چند تا سوره را بخواند.

اشکال

ما اشکال مان به آقای خوئی این است، می‌گوییم: آقای خوئی! این ملاکات الاحکام را شما از کجا درآوردید؟ این روایتی که می‌گوید اذا اخذت فی قراءة قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون فلیس لک ان ترجع الی غیرهما که مضمون صحیحہ عمرو بن ابی نصر است و مضمون موثقہ عبید است که لک ان ترجع عنها ما بینک و بین ان تقرأ ثلثیها، این که ملاک را نگفته چیست، ما چه می‌دانیم ملاک نهی از عدول تبدیل الامثال بالامثال است. شارع منع کرده از عدول از سوره جحد و توحید در نماز به سایر سور، دلیلش هم اطلاق دارد، چه در نماز نافله چه در نماز فریضه. در نماز فریضه نکته‌اش هر چه هست، اطلاق دلیل نافله را هم می‌گیرد.

[سؤال: ... جواب:] ارتکاز بر این بوده که عدول از سوره جحد و توحید در نافله اشکال ندارد؟ کدام ارتکاز این جور بوده. هنوز هم این مطالب روشن نیست، آن موقع می‌گوییم ارتکاز عام متشرعی بوده؟! احترام سوره جحد و توحید آنقدر لازم است که در نافله هم شروع کردی بخوانی رهایش کنی یعنی بی‌اعتنایی، بی‌اعتنایی به مظاهر توحید یا بی‌اعتنایی به مظاهر برائت. حق بی‌اعتنایی نداری، نه به مظاهر توحید بی‌اعتنایی کن نه به مظاهر برائت. یک وقت رها می‌کنی می‌گویند حوصله نداشت خواست رد بشود. یک وقت شما می‌خواهی یک آقایی را پذیرایی کنی چای می‌گذاری جلویش، باید بعدش قند

..... مسائل

۱۰.

بیری، قند نمی‌بری می‌روی، می‌گویند لابد عجله دارد، خانمش صدایش زد از ترس خانمش رفت، یک وقت نه، چای و قند را می‌بری برای رقیبش، جلوی چشم او چای او بدون قند می‌گذاری، عدول می‌کنی به چای گذاشتن همراه با قند و شکر و شیرینی و کلی مخلفات، جلوی آن عالم دیگر که رقیبش هست، شارع نمی‌خواهد در سوره توحید و جحد این کارها را بکنی، اطلاق دلیل هم شامل می‌شود. و لیس لک ان ترجع منها الی غیرها، ندارد فی صلاة الفریضة. ما تابع نص هستیم.

و لذا الحق مع السید السیستانی. آقای خوئی این‌جا به نظر ما استدلالش ناتمام است، آقای سیستانی هم موافق مشهور است و لو بر خلاف صاحب عروه آقای خوئی صحبت کرده. به نظر ما فرمایش مشهور از جمله آقای سیستانی این‌جا درست است.

و الحمد لله رب العالمین.